

تاریخ

رازهای افشاگر فرماسونری در ایران



اعتماد به راین پس از انتشار این کتاب تا آنجا بالا گرفت که در یکی از اسناد ساواک می خوانیم، شهید آیت الله سعیدی در سال ۱۳۴۸ به شیخ حسین لنکرانی به صورت خصوصی گفته بود که اگر اسماعیل راین را می شناسید، او را درباره مطالبی که در مورد آقا نوشته است، سرزنش کنید

محمد مهدی اسلامی
نویسنده و پژوهشگر



«طی ملاقاتی با اسماعیل راین در پاریس به وی توصیه شد که از طریق صادق قطب زاده [امام] خمینی را تشویق نماید که به امریکا عزیمت کند.» این جمله، فرازی از نامه سپهد ناصر مقدم، آخرین رئیس ساواک به شاه در پایان مهرماه ۱۳۵۷ است که درباره آخرین اقدامات آنها برای ممانعت از اثرگذاری امام خمینی پس از هجرت به فرانسه نوشته شده است.

آن سفر، با توجه به لغو روادید میان ایران و فرانسه در آن مقطع، بدون اطلاع دستگاه های اطلاعاتی انجام شده بود و از این رو، در کمتر از

یک هفته پس از این سفر، معاون اطلاعات خارجی ساواک، چهار روز به پاریس مسافرت و طی آن ملاقات هایی با مقامات سرویس اطلاعاتی فرانسه، بویژه «کنت دومرانس» رئیس SDECE فرانسه انجام می دهد. این نامه ابتدا به ارزیابی شرایط امام در فرانسه و اطرافیان ایشان می پردازد. سپس طرح پیشنهادی الکساندر دومرانس برای ترور امام را مطرح و دلایل مخالفت خود را ذکر می کند و در آخر، اصلی ترین پیشنهادش انتقال امام به امریکا است تا کنترل بهتری برایشان و اطرافیان او محقق گردد.

آنچنان که آمد، گزینه پیش برنده این پیشنهاد از نگاه سپهد مقدم، اسماعیل راین است که مأموریتش به وی ابلاغ شده و برای همکاری با نماینده ساواک در پاریس در این خصوص، قول مساعد داده است. (۱) با این حساب، جالب توجه خواهد بود که بدانیم او کیست؟

راز شهرت راین

اسماعیل راین با نوشتن کتاب سه جلدی «فراموشخانه و فراماسونری در ایران» به شهرت رسید. کتاب او که مملو از افشاکاری علیه فراماسون های انگلیسی بود در میانه دهه چهل به چاپ رسید. از این رو، پاسخی به عطش گسترده جامعه ایران بود که اگرچه درک مستقیمی از دخالت های مکرر انگلستان در امور داخلی کشور، از کودتای رضاخان تا اشغال خاک ایران در شهریور ۱۳۲۰ و به صورت نزدیک تر، دسیسه چینی علیه ملی شدن صنعت نفت و کودتا علیه دولت مصدق داشت؛ اما سرپنجه های این اقدامات را نمی شناخت. این کتاب ابتدا در ایتالیا چاپ شد و پس از آن که عطش نسبت به آن فزونی گرفت؛ انتشارات امیرکبیر آن را در شمارگان گسترده ای به چاپ رساند.

اعتماد به راین پس از انتشار این کتاب تا آنجا بالا گرفت که در یکی از اسناد ساواک می خوانیم، شهید آیت الله سعیدی در سال ۱۳۴۸ به شیخ حسین لنکرانی به صورت خصوصی گفته بود که اگر اسماعیل راین را می شناسید، او را درباره مطالبی که در مورد آقا نوشته است، سرزنش کنید. اشاره شهید سعیدی به نوشته وی در کتاب «حقوق بگیران انگلیس در ایران» بوده است که مدعی شده بود امام خمینی برای راه انداختن هیاهو در سال ۱۳۴۲، از انگلستان پول گرفته است. جالب تر، جواب مرحوم لنکرانی است که گفته است «این موضوع را حتماً به او تحمیل کرده اند، معهذامن به او تذکر لازم را خواهم داد.» (۲) او حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانست نزد

شهید آیت الله قدوسی رفته و جواز انتشار کتابش را بگیرد، هرچند با تذکر مشاوران ایشان، به سرعت آن جواز نیز ابطال شد.

دست پشت پرده

با توجه به فضای امنیتی میانه دهه چهل، اغلب در اینکه راین خود نمی توانسته مؤلف باشد، متفق القول هستند. ابراهیم ذوالفقاری در این خصوص معتقد است اسناد کتاب های او، فراتر از اسناد موجود در بایگانی های ساواک می باشد و با حمایت عوامل خارجی انجام شده و احتمالاً اسدالله علم هم در آن نقش داشته است. از این رو او برای اینکه ارتباطات خود با عوامل خارجی را توجیه کند، با شماره های رمز ۱۱۱ و ۱۴۹۸ به لیست حقوق بگیران ساواک پیوست. اسماعیل راین که از حامیان اسرائیل بود و با شاپور ریپورتر ارتباط نزدیک داشت، زمانی دست به انتشار این کتاب زد که استاد اعظم لژهای انگلیسی، فرانسوی و آلمانی برای شرکت در مراسم تقدیس لژ بزرگ ایران، در تهران بودند. (۳)

عبدالله شهبازی هم درباره او معتقد است: اسناد و مدارک منحصر به فرد شاپورچی دستمایه تألیف راین قرار گرفت و این طرح پیچیده حاصل اندیشه او بود که با دست اسدالله علم اجرا شد. بنابراین عجیب نیست که در مجموعه سه جلدی فوق مهم ترین بخش تاریخ فراماسونری ایران، یعنی نقش اردشیرجی در آن، حذف شده و تنها در دو سه مورد نام وی به چشم می خورد و نام چهره های مرموزی چون میرزا کریم رشتی نیز به کلی حذف گردیده است. (۴) جالب آنجا است که طبق اسناد ساواک، خسروانی که از دوستان اسدالله علم بوده است، آشکارا نزد نمایندگان از اینکه نامش در این کتاب نیامده ابراز خرسندی کرده است.

جلد اول و دوم این کتاب در دومین روز بهمن ماه ۱۳۴۷، با اجازه وزارت فرهنگ و هنر توزیع شد که این اقدام، قبل از هر کس، بنابر دستور ریاست ساواک، به جعفر شریف امامی، رئیس مجلس سنا اطلاع داده شد. ۲۲ روز بعد، هنگامی که جلد سوم توزیع

اسماعیل راین - نفر دوم از راست



گردید، از طرف امیرعباس هویدا به ساواک دستور داده شد تا از توزیع آن جلوگیری گردد.

تعداد کتب جمع آوری شده توسط ساواک به ۷۰۰ جلد رسید و در یکی از اتاق های اداره کل سوم، جای داده شد و پس از آن تقاضا شد تا ۱۰ جلد آن نگهداری و بقیه معدوم شود. نصیری اما از بین بردن کتاب ها را مشروط به کسب نظر از هویدا می کند. آنچه عیان است، آن کتاب هیچ وقت نایاب نشد و همچنان در دسترس است. حتی در یکی از اسناد ساواک، به نقل از یکی از فعالان سیاسی حامی شاه، آمده است: «انتشار جلد سوم کتاب فراماسونری با اجازه سازمان امنیت و شخص شاهنشاه آریامهر علاقه مند به انتشار این کتاب بوده اند. ناطق در پاسخ اینکه منظور از انتشار جلد سوم کتاب فراماسونری چیست گفت تمامی افراد متنفذ و سرشناس مملکت که هم اکنون در رأس مشاغل مهم مملکتی می باشند نام آنها در این کتاب درج گردیده، به تدریج از کار برکنار خواهند شد، زیرا اعضای فراموشخانه بستگی کامل به سیاست انگلیس دارد و از سرسپردگان دولت مزبور در ایران می باشند.» (۵)

ارتشبد فردوست این را از چنین بیان کرده است: «انتشار کتاب ۳ جلدی راین ضربه سختی به فراماسونری ایران بود، زیرا اسامی بسیاری از آنها را افشا کرد. آیا راین رأساً این کار را کرد یا به اشاره دستگاه خاصی؟ بعید به نظر می رسد که او رأساً به این کار مبادرت کرده باشد و به احتمال قریب به یقین چاپ آن از افشاکاری های امریکا بود. مسلماً منظور امریکا نشان دادن نفوذ انگلیس در دستگاه حکومتی ایران بود تا هم بدنامی ها و کاسه کوزه های گذشته را سر فراماسونری و انگلیسی ها بشکند و هم به تدریج تیپ قدیمی انگلیسی دولتمردان را منزوی کند و راه را برای قبضه مشاغل توسط تیپ جدید امریکایی باز کند. پس از این ماجرا، فراماسون ها فشار آوردند و به ساواک دستور داده شد که کتاب فروشی ها مجاز به فروش جلد سوم نیستند و دو جلد قبلی هم حتی الامکان به وسیله ساواک جمع آوری شود. این کار عملی نبود

کتاب های جنجالی
اسماعیل راین

